



وصیت و سفارش امام صادق(ع) به شیعیان و دوستداران آن حضرت

شخصی به امام صادق(ع) گفت: مرا وصیت کن، حضرت فرمود: تو را به تقوای الهی و پرهیزکاری و عبادت و سجده طولانی و ادای امانت و راستگویی و خوش همسایگی وصیت می‌کنم، زیرا سرلوحه برنامه پیامبر(ص) همین بوده است.

شخصی به امام صادق(ع) گفت: مرا وصیت کن، حضرت فرمود: تو را به تقوای الهی و پرهیزکاری و عبادت و سجده طولانی و ادای امانت و راستگویی و خوش همسایگی وصیت می‌کنم، زیرا سرلوحه برنامه پیامبر(ص) همین بوده است. به گزارش خبرگزاری مهر، به مناسبت ولادت امام ششم حضرت امام جعفر صادق(علیه السلام) مختصری از زندگانی و شرح حال و فضائل آن بزرگوار را می‌آوریم، به امید آن که از الطاف این بزرگواران در دنیا و آخرت برخوردار باشیم.

تاریخ ولادت امام صادق(علیه السلام)

1 - امام صادق(علیه السلام) در هنگام طلوع فجر روز جمعه 27 ربیع الاول سال 83 هـ ق در شهر مقدس مدینه به دنیا آمدند، پدر آن بزرگوار حضرت امام باقر(علیه السلام)، و مادر آن بزرگوار امّ فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بودند. حضرت صادق جعفر بن محمد بن علی بن الحسین(علیه السلام) از میان برادران خویش جانشین پدرش حضرت باقر(علیه السلام) بود، و وصی آن جناب بود که پس از او به امر امامت قیام نمود، و در فضل و دانش سر آمد همه برادران گشت، و از همه آنان نام آورتر، و در قدر و منزلت بالاتر، و در میان شیعه و سنی مقامش ارجمندتر بود، و به اندازه مردم از علوم آن حضرت نقل کرده اند که سخنانش توشه راه کاروانیان و مسافران و نام نایش در هر شهر و دیار زبانزد مردمان گشته، و از هیچ يك از این خاندان علماء و دانشمندان بدان اندازه که از آن جناب حدیث نقل کرده از دیگری نقل نکرده اند، و هیچ يك از اهل آثار و ناقلان اخبار بدان اندازه که از آن حضرت بهره بردند از دیگران بهره گیری نکردند، زیرا اصحاب حدیث که نام راویان ثقات آن بزرگوار را جمع کرده اند با اختلاف در عقیده و گفتار شماره آن به چهار هزار نفر می‌رسد. و دلیل های روشن درباره امامت آن جناب به اندازه ای است که دل ها را حیران کرده و زبان دشمن را از خورده گیری گنگ و لال ساخته.

اسماء و القاب آن امام صادق(علیه السلام)

2 - نام آن حضرت جعفر و لقب شاخص ایشان حضرت «صادق» است، اگر چه القاب دیگری همانند فاضل و صابر، و طاهر هم داشته اند، لقب صادق را حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) برای آن حضرت انتخاب فرمودند، مرحوم مجلسی در جلد 47 بحار الانوار صفحه 8 روایتی بدین مضمون نقل کرده است: «امام زین العابدین(علیه السلام) از پدرش و او از جدش امیر المؤمنین(علیه السلام) نقل کرده که فرمود: پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود: وقتی که فرزند من جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب متولد شد، او را صادق نام گذارید، زیرا در اولاد او کسی همنام او خواهد بود که به ناحق دعوی امامت می‌کند، و او را کذاب خواهند گفت.

فضائل و کرامات امام صادق(علیه السلام)

3 - فضائل آن حضرت زیاده از آن است که در این مختصر احصا شود، لکن برای تیمن و تبرک به بعض آنها اشاره می‌کنیم. مالک بن انس فقیه مدینه می‌گوید: نزد امام صادق(علیه السلام) می‌رفتم، آن حضرت برای نشستن من متکا می‌گذاشت و احترام می‌فرمود و ایشان نسبت به من محبت داشت، و این امر مرا بسیار خوشحال می‌کرد و خدای را بر این نعمت شکر می‌کردم. سپس مالک می‌گوید: آن حضرت مردی بود که از سه حال خارج نبود: یا روزه بوده یا در حال نماز، و یا در حال ذکر خداوند، از بزرگان عبادت کنندگان، و در زهد سرآمد بود، از همان هایی که از خدا خوف و خشیت فراوان دارند. آن حضرت کثیر الحدیث، خوش مجلس، پر فایده بود. هر زمانی که می‌فرمود: «قال رسول الله(صلی الله علیه وآله)» گاهی رنگ آن حضرت کبود، و گاهی زرد می‌شد، تا به جایی که گاهی شناخته نمی‌شد. يك سال با آن حضرت به حج خانه خدا رفته بودم، وقتی که گاه احرام شد، هرچه آن حضرت سعی می‌کرد که تلبیه «لبیک اللهم لبیک» بگوید، صدا در گلوئی آن حضرت قطع می‌شد و نزدیک بود که از بالای مرکب به زمین بیافتد، به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند پیامبر بگو لبیک، زیرا باید محرم شوی و چاره ای از گفتن نیست، آن حضرت فرمود: چگونه جسارت کنم و بگویم: «لبیک اللهم لبیک» در حالی که می‌ترسم از آن که خداوند عزوجل به من بگوید: «لا لبیک و لا سعیدیک؟» بحار الانوار، ج 47، ص 16

شخصی به نام مفضل بن قیس می‌گوید: نزد امام صادق(علیه السلام) رفتم و بعض گرفتاری هایم را به آن حضرت گفتم و از ایشان خواستم که برایم دعا کند، آن بزرگوار به خادمه خانه فرمود: آن کیسه پولی را که ابوجعفر منصور برای ما فرستاده بیاور، خادمه کیسه را آورد، آن حضرت فرمود: این کیسه ای است که در آن چهار صد دینار است، به واسطه آن امور خود را اصلاح کن، به آن حضرت گفتم: فدای شما شوم، قصد من این نبود، بلکه می‌خواستم که شما برایم دعا بفرمایید، آن حضرت گفت: من به شما دعا هم می‌کنم، لکن همه گرفتاریت را برای دیگران باز گو مکن، زیرا خوار می‌شوی. بحار الانوار ج 47، ص 34.

هشام بن سالم که یکی از اصحاب آن حضرت است می‌گوید: حضرت صادق(علیه السلام) وقتی شب می‌شد کیسه ای برمی‌داشتند که در آن نان و گوشت و پول گذاشته بودند، آن را به دوش می‌گرفتند و برای فقراء و نیازمندان مدینه می‌بردند و بین

آنان تقسیم می کردند، و کسی آن حضرت را نمی شناخت، تا آن که ایشان از دنیا رفتند و فقراء دریافتند که آن کسی که دست کرم او بر سر آنان بوده امام صادق(علیه السلام) بوده است. بحار الانوار، ج 47، ص 38

مسمع بن عبدالملك می گوید: در منی نزد امام صادق(علیه السلام) نشسته بودم در حالی که ظرف انگوری در مجلس بود که از آن می خوردیم. سائلی آمد و چیزی خواست، امام صادق(علیه السلام) خوشه انگوری به او داد. سائل گفت: به انگور نیازی ندارم، اگر پول بود! حضرت فرمود: خدا کار تو را بگشاید، شخص فقیر رفت و سپس برگشت و گفت: خوشه انگور را بدهید، حضرت فرمود: خدا کار تو را بگشاید و چیزی به او نداد. سپس شخص دیگری آمد، امام(علیه السلام) سه دانه انگور به او داد، آن شخص سائل گرفت و گفت: سپاس خداوند دو جهان را که مرا روزی داد.

امام صادق(علیه السلام) به او فرمود: بایست، سپس دو دست خود را از انگور پر کرد و به او داد، آن مرد گرفت و مثل دفعه قبل حمد خدای را به جای آورد، امام(علیه السلام) دوباره او را امر به ایستادن کرد و به خادم فرمود: چقدر پول همراه داری، نزد خادم بیست درهم یا نزدیک به این مبلغ بود، آن بزرگوار آن پول را به شخص سائل دادند، او گرفت و گفت: سپاس خدای را، این نعمت از توست به تنهایی، و شریکی برای تو نیست، امام(علیه السلام) او را امر به توقف فرمود، و سپس پیراهنی که در بر داشت بیرون آورده به او داد و فرمود این لباس را بپوش، او هم پوشید و گفت: سپاس خداوندی را که مرا پوشانید و مستور نموده ای ابا عبدالله خداوند ترا جزای خیر دهد و سپس رفت، راوی می گوید این شخص جز این دعایی برای امام صادق(علیه السلام) نکرد، و ما گمان می کردیم که اگر برای خود آن حضرت دعا نکرده بود، بلکه فقط خداوند را سپاس می گفت حضرت مرتب به او بخشش و احسان می کردند، زیرا هر وقت حمد خداوند را به جای می آورد حضرت چیزی به او می دادند. بحار الانوار ج 47، ص 42. و از این روایت به خوبی فهمیده می شود که امامان معصوم(علیهم السلام) چه اندازه توجه به حضرت پروردگار داشته و در مقابل عظمت او خاضع بوده اند.

همچنان که در روایت دیگر وارد شده است که امام صادق(علیه السلام) در نماز قرآن تلاوت می کرد، تا آن که غش کرد، وقتی که به حالت عادی برگشت کسی پرسید: چه چیز باعث این حالت برای شما شد؟ آن حضرت فرمود: من مرتب آیات قرآن را تکرار می کردم تا آن که حالی برای من پیدا شد که گویا قرآن را رو در رو از کسی که آن را فرستاده می شنیدم. بحار الانوار، ج 47، ص 58

شمه ای از کلمات امام صادق(علیه السلام)

الف: از سخنان آن حضرت است که فرمود: این گونه نیست که هر کس قصد چیزی را کرد توانایی بر آن پیدا کند، و نه هر که توانایی انجام کاری پیدا کرد موفق بدان شود، و نه هر کس موفق شد آن را درست به دست آورد، پس هر گاه قصد و توانایی و رسیدن به هدف همه با هم فراهم شد، آنگاه اسباب سعادت فراهم شده است. ارشاد شیخ مفید(رحمه الله)، ج 25، ص 197.

ب: و در باب توبه فرموده اند: به تأخیر انداختن توبه از فریفتگی به دنیاست، و بسیاری امروز و فردا کردن از حیرت و سرگردانی است، و بهانه جویی بر خدا موجب هلاکت است، و پافشاری و تکرار در گناه به علت ایمنی از مکر خدا است، و ایمن نشوند از مکر خدا جز زیانکاران.

ج: و از سخنان آن حضرت(علیه السلام) در وادار کردن مردم به دقت نظر در دین خدا و شناختن دوستان او است که می فرماید: نیک نظر و دقت کنید در آنچه نادانی آن بر شما جایز و روا نیست، و برای خود خیر اندیشی کنید، و بکوشید در به دست آوردن آنچه در ندانستن آن بهانه و عذری از شما پذیرفته نیست، زیرا در دین خدا ارکانی است که با جهل به آن ارکان کوشش در عبادت سودی ندارد، و هر که آن ها را شناخت معتقد و متدین به آنها شد میانه روی در عبادت به او زیان نرزدند (مقصود شناختن امام و امامت است که کوشش در عبادت بدون شناسایی امام سودی ندارد، و میانه روی در عبادت با معرفت به امام زبانی ندارد) و برای هیچ کس راهی به شناسایی ارکان دین نیست جز آن که خداوند توفیق عنایت فرماید.

د: و از آن حضرت نقل شده است که فرمود: همه دانش مردم را در چهار چیز یافتم، اول: این که پروردگار خود را بشناسی، دوم: این که آنچه درباره تو انجام داده بدانی، سوم: این که آنچه از تو خواسته است بشناسی، چهارم: آنکه بدانی چه چیز تو را از دینت بیرون می برد.

معارف واجبه از این چهار قسم بیرون نیست زیرا نخستین چیزی که بر بنده واجب است شناختن پروردگارش می باشد، و چون دانست که خدایی دارد واجب است کارهایی که خدا درباره اش انجام داده بداند، و چون آن را دانست نعمت خدا را شناخته است، و چون نعمت خدا را در وجود خویش شناخت واجب است شکر آن را انجام دهد، و چون بخواهد شکر آن نعمت را به جا آورد لازم است خواسته خدا را بداند که با انجام دادن آن پیرویش کند، و چون پیروی خدا بر او واجب شد باید بداند چه چیز است که او را از دین خدا بیرون برد تا از آن اجتناب ورزد، و در نتیجه اطاعت خدا و شکر نعمت های او را از روی اخلاص انجام خواهد داد.

وفات امام صادق(علیه السلام)

حضرت امام صادق(علیه السلام) در بیست و پنجم شوال سال 148 هـ ق در حالی که 65 سال از عمر مبارک آن حضرت گذشته بود از دنیا رحلت فرمود، و در قبرستان بقیع در کنار پدر و جد و عموی خود امام مجتبی(علیه السلام) به خاک سپرده شد. و بنابر روایتی پس از آزار و اذیت زیاد آن حضرت به وسیله عوامل منصور دوانیقی با سم به شهادت رسید.

خداوند همه ما را از شیعیان آن حضرت قرار دهد.

وصیت و سفارش امام صادق(علیه السلام) به شیعیان و دوستان آن حضرت

شخصی به نام خثیمه از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود: به دوستان ما سلام برسان، و آنان را به تقوی و عمل نیک سفارش کن، و بگو که اشخاص سالم از بیماران عیادت کنند، و ثروتمندان به فقرا سرکشی کنند، زندگان مردگان را به خانه قبر بدرقه و تشییع کنند، و افراد به خانه های یکدیگر رفت و آمد داشته باشند و گفتگوی علوم دینی را برنامه خود قرار دهند، زیرا این باعث ماندگاری امر ما «ولایت و امامت» است، خداوند پیامرزد بنده ای را که امر ما را احیاء کند. ای خثیمه آنان را آگاه کن که ما در برابر فرمان خدا کاری برای آنان نمی توانیم انجام دهیم مگر آن که عمل صالح داشته باشند، زیرا ولایت ما جز با پرهیزکاری حاصل نمی شود و شدیدترین عذاب در قیامت برای مردمی است که عدل و نیکی را برای مردم ستوده و خود به راهی دیگر رفته است.

شخص دیگری می گوید: به امام صادق(علیه السلام) گفتم: مرا وصیت کن، حضرت فرمود: تو را به تقوای الهی و پرهیز کاری، و عبادت، و سجده طولانی، و ادای امانت، و راستگویی، و خوش همسایگی وصیت می کنم، زیرا سرلوحه برنامه پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) همین بوده است، و بعد فرمود: در بین فامیل صله رحم به جا آورید، مریض ها را عیادت کنید، در تشییع جنازه های مؤمنین شرکت کنید، برای ما زینت باشید و باعث سرشکستگی ما نشوید.